



# مباحث مہدویت

د محضر

آیت اللہ نجم الدین طوسی

اسفند ۹۳

## فهرست مطالب

- ۳..... شناخت علائم ظهور
- ۴..... بررسی سندی روایات علامات ظهور
- ۵..... حوادث فعلی عراق و شام علامت ظهور است؟
- ۶..... ظهور وقت مشخصی دارد؟
- ۸..... اهل کتاب و اسلام آوردن در زمان حضرت مهدی علیه السلام
- ۹..... مرگ یا شهادت حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۱..... زن و فرزند حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۳..... علامت ظهور، طلوع خورشید از مغرب است
- ۱۴..... فرق میان خروج و ظهور
- ۱۵..... ترتیب علائم ظهور
- ۱۵..... سید یمانی
- ۱۶..... امام زمان علیه السلام و تکنولوژی روز
- ۱۸..... دجال
- ۱۹..... جزیره خضراء
- ۲۰..... حکومت اهل بیت علیهم السلام در رجعت

## بسم الله الرحمن الرحيم

مباحث مطرح شده در این جزوه حاصل گفتگویی صمیمی<sup>۱</sup> در ارتباط با سوالات پر تکرار مباحث مهدویت با استاد معظم آیت الله نجم الدین طبسی است که پیاده سازی و مستند سازی آن توسط واحد اعتقادی در هیات علمی اداره پاسخگویی حرم مطهر امام رضا علیه السلام صورت گرفته است

### شناخت علائم ظهور

#### ۱. اهمیت و جایگاه شناخت علائم ظهور را تبیین نمایید؟

البته نسبت به علائم خیلی تاکید شده و از لسان پیامبر و ائمه علیهم السلام نقل شده است. این بیانات و تاکیدات برای این است که سوء استفاده و موج سواری نشود. برای این است که هر کس در هر زمانی چنین ادعایی نکند. و روی بعضی از علامات خیلی تاکید شده است. صیحه آسمانی را روایت دارد هر علامتی بر هر کس مخفی بماند این علامت بر کسی مخفی نمی ماند.<sup>۲</sup> روی این علامت خیلی تاکید شده است. روی برخی علامات آن هم علامات حتمی مثل سفیانی، صیحه، یمانی، قتل نفس زکیه، خسف یا در بعضی روایات شعیب هم آمده و بالاخره روی اینها نیز خیلی تاکید شده و از حتمیات هم هست.<sup>۳</sup>

البته یک مساله دیگری هم هست و آن مساله بداء است: هل یبدوا لله فی المحتوم؟ قال: نعم. ممکن است یبدوا لله فی المهدی؟ امام فرمودند: اما در مورد مهدی چنین نیست. المهدی من المیعاد و الله لا یخلف المیعاد.<sup>۴</sup> این روایت اگر سندش درست باشد مفادش این است که ممکن است بدون علامات هم امام زمان

<sup>۱</sup> این گفتگو در هیات علمی اداره پاسخگویی حرم مطهر امام رضا روز پنج شنبه ۹۳/۹/۲۷ برابر با ۲۶ صفر المظفر صورت گرفته است.

<sup>۲</sup> «فإن اشکل هذا کله فإن الصوت من السماء لا یشکل علیهم إذا نودی باسمه و اسم أبیه و أمه». الغیبه، نعمانی: ص ۶۷ و ۲۸۲.

<sup>۳</sup> ثقۀ الاسلام کلینی از امام صادق(ع) روایت کرده که فرمود: «للقائم علیه السلام خمسُ عَلاماتٍ قَبْلَ قِیامِ الْقائِمِ الصَّیْحَةُ وَ السُّفْیَانِیُّ وَ الْخَسْفُ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّکِیَّةِ وَ الْیَمَانِیُّ؛ پیش از قیام قائم (ع) پنج نشانه است: بانگ آسمانی، خروج سفیانی، خسف بیداء، قتل نفس زکیه و قیام یمانی». کلینی در ادامه نقل می کند که عمر بن حنظله از امام صادق(ع) پرسید: اگر پیش از پدیدارشدن این نشانه ها، یکی از اهل بیت شما خروج کند، آیا ما نیز همراه او خروج کنیم؟ امام (ع) فرمود: «خیر». الکافی: ج ۸، ص ۳۱۰.

<sup>۴</sup> داوود بن ابی القاسم می گوید: کُنَّا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الرِّضَا فَجَرَى ذَكَرَ السُّفْیَانِیُّ وَ مَا جَاءَ فِي الرِّوَايَةِ مِنْ أَنَّ أَمْرَهُ مِنَ الْمَحْتَمِ، فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ: هَلْ يَبْدُو لَه فِي الْمَحْتَمِ؟ قَالَ: نَعَمْ. قُلْنَا لَهُ: فَتَخَافُ أَنْ يَبْدُو لَه فِي الْقَائِمِ! فَقَالَ: إِنَّ الْقَائِمَ مِنَ الْمِيعَادِ وَ اللهُ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ. مَا نَزَدَ إِمَامٌ جَوَادَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بُوَدِيْمَ كَه سَخَنَ مِنْ خُرُوجِ سَفْیَانِیِّ بِه مِیَانِ أَمَدٍ وَ إِنْ كَه فِي رِوَايَةِ أَمَدَه كَه أَمْرٌ أَوْ حَتْمِیٌّ اسْت. بِه إِمَامٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَرَضَ كَرْدَمَ: أَيْ بَدَأَ فِي أَمْرِ حَتْمِیِّ اتِّفَاقِ مِیْ ائْتَدَ؟ حَضْرَتِ فَرَمُودَ: أَرَى. عَرَضَ كَرْدَمَ: مَا مِیْ تَرَسِیْمَ كَه فِي أَمْرِ قَائِمٍ نِیْزَ بَدَأَ حَاصِلَ شُودَ! فَرَمُودَ: أَمْرٌ قَائِمٌ مِنْ أَمُورِی اسْت كَه وَعَدَه دَادَه شُدَه وَ خَدَاوَنَدَ فِي وَعَدَه خُودِ تَخَلَّفَ نَخَوَاهُ كَرْدَ. الغیبه / نعمانی: ص ۳۰۳ و بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۲۵۰ - ۲۵۱.

ظهور کند. ولی مرحوم مجلسی اشکال می‌کنند و توجیه می‌کنند که بداء در خصوصیات علامات است نه در اصل سفیانی. مثلا ممکن است خروج سفیانی که در ماه رجب بود بر اثر بداء در شعبان صورت گیرد.<sup>۵</sup>

همه علامات را من بحث کرده‌ام و نزدیک به پانصد درس به عنوان درس خارج الان روی سایت هست. سایت ولاء صدیقه کبری.<sup>۶</sup>

## بررسی سندی روایات علامات ظهور

### ۲. آیا روایات علامات ظهور بررسی سندی شده است یا خیر؟

من ندیدم، چون بنا نبوده است. عملا این گونه می‌بینیم که بنا نبوده که راجع به روایات مهدویت عمقی بحث شود. بنای عملی مقصود است. با توجه به این که بسیاری از روایات علائم ظهور را عامه نقل کرده‌اند. البته علمای بزرگ ما کتابها نوشتند. اما به عنوان درس خیر. لذا اینها کمتر مطرح شده است. علی ای حال بحثهای سندی نشده ولی لازم است، چون روایات متعارض وجود دارد مثل حکم قیامهای قبل از ظهور، ولی لازم است به همان روالی که در فقه نسبت به هر فرع فقهی بحث می‌شود، نسبت به مباحث مهدویت نیز بحث شود. همین روایت «کلّ رایه ترفع قبل قیام المهدی فصاحبها طاغوت»<sup>۷</sup> که شبکه‌های ماهواره‌ای وهابیت و یا مدعیان تشیع یعنی همین ماهواره‌های وابسته به جریان تشیع مورد حمایت آمریکا آن را مفصل مطرح کردند و مدعی شدند که حکومت ایران، حضرت امام و مقام معظم رهبری همه طاغوتند. در حوزه‌ها باید بحث شود. شما چهار تا روایت وسائل را دیدید. خود این روایت آیا از نظر سند درست است؟ از نظر دلالت همین است که می‌گویید؟ خوب به فرض این که سند درست است. دلالت هم درست. آیا معارض ندارد؟ معارض هم که قطعاً دارد. از همه اینها بگذریم این روایات وقتی با روایات دیگر تعارض کرد، یکی از وجوه ترجیح چیست؟ مخالفت با عامه. اتفاقا این روایات مطابق است با آراء و

<sup>۵</sup>. ثم انه یحتمل ان یكون المراد بالبداء فی المحتوم البداء فی خصوصياته لا فی اصل وقوعه، كخروج السفیانی قبل ذهاب بنی‌العباس و نحو ذلك. بحار الأنوار: ج ۵۲، ص ۲۵۰ - ۲۵۱.

<sup>۶</sup>. Velaseddighah.com

<sup>۷</sup>. «كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»؛ هر پرچمی که قبل از قیام قائم برافراشته شود صاحب آن طاغوتی است که غیر خدا را می‌پرستد. وسائل الشیعه: ج ۱۵، ص ۵۲.

روایات عامه و خیلی پررنگ‌تر از این را عامه نقل نموده‌اند. روی این نکته تا حال کسی بحث کرده؟ باید روایات را در کتاب الاماره، کتاب الخلافه و کتاب التفضیل صحاح سته بالاحص سنن ابی‌داود، پیدا کنیم. آنوقت می‌بینیم حتی اگر این روایت صحیح هم باشد و اصله الصدور هم داشته باشد، مشکل جهتی دارد و باید حمل بر تقیه شود. همین بحث را سال گذشته مطرح کردم سی و هفت درس شد. اینها را بخواهید و بحث کنید با یک کتاب و و دو کتاب نمی‌شود در مهدویت تخصصی بحث کرد. مباحث مهدویت گسترده است. یا مثلاً نام بردن اسم امام الان به نظر من حرام است. مستندات و دلائل هم دارم.

### حوادث فعلی عراق و شام علامت ظهور است؟

۳. آیا حوادثی که امروزه در سوریه و عراق اتفاق می‌افتد قابل تطبیق بر علائم حتمی ظهور

هست یا خیر؟

در ارتباط با تطبیق قطعی، خیر. چون تالی فاسد دارد. تطبیق قطعی سر از تزلزل در عقاید مردم در می‌آورد. خود ائمه هم تطبیقات قطعی نداشته‌اند. من چهار سال قبل در فیضیه در نقد فیلم «ظهور نزدیک است» روی دو نکته تاکید کردم: یکی تطبیق و یکی توقیت و بر حذر داشتیم. پس تطبیق قطعی خلاف است ولی اگر به عنوان احتمال و گمان باشد مانعی ندارد.

در رابطه با سوریه چند نکته را باید توجه کرد:

اولاً: حوادث سوریه رو به افول است از شور افتاد و مثل قبل نیست. خیلی از مناطق را پس گرفتند.

ثانیاً: نسبت به قضایای سوریه باید گفت در جهان قبلاً از این بدتر هم اتفاق افتاده بود و هیچ بعید نیست که آینده از این بدتر هم بشود. یعنی ما الان آخر خط نیستیم که بگوییم مصداقش همین است.

ثالثاً: اعمال و خشونت‌های اینها همان اعمال و رفتار سفیانی هاست اما فراموش نکنیم که سفیانی شخص است و ویژگی‌ها و مشخصات دارد و شیعه و سنی ویژگیها و مشخصات او را توضیح داده‌اند. اما اینها جریانات متعددی هستند، النصره است داعش است و... اما سفیانی یک شخص است و از باز ماندگان ابوسفیان است. پس تطبیق سفیانی بر این جریانات تطبیق درستی نیست.

اما نسبت به عراق باز همان بحث است. ۴۰ درصد سرزمین عراق را داعشی‌ها تصرف کرده بودند. اما الان عراقی‌ها خیلی از اینها را پس گرفتند. اینها تا نزدیک کربلا رسیده بودند. «جرف الصخر» نزدیک کربلاست. ولی الان در جبهه‌های متعدد شکست خورده و عقب رانده شده‌اند. آنجا هم گروه‌های مختلفی هستند. حرکت سفیانی معمولا در جنوب عراق است، بغداد و نجف. و حال اینکه اینها به این مناطق اصلا نتوانستند بروند. در جزیره موصل هستند و الان مشکل هم دارند. پس نمی‌توان تطبیق قطعی داد، ولی به صورت احتمال، ممکن است.

### ظهور وقت مشخصی دارد؟

۴. آیا آنچه به آیت الله بهجت نسبت داده می‌شود مبنی بر اینکه ایشان فرموده‌اند پیرمردها هم ظهور را درک می‌کنند، صحت دارد؟ و بر فرض صحت آیا این به معنای تعیین زمان ظهور است؟

من بحث توقیت را مستند مطرح نمودم. روی سایت هم هست می‌توانید دانلود کنید. قضیه توقیت قطعی را نه آیت‌الله بهجت و نه مراجع معظم، بلکه خود امام زمان هم نمی‌دانند. بیشتر بگویم پیامبر اکرم هم نمی‌دانند. این نظر شخصی من است به استناد روایات صحیح. توقیت قطعی از علومی است که در انحصار خداوند است. «لایجلیها لوقتها الا هو». مهم این است که روایت از امام رضا علیه السلام است و صحیح السند است. یک یک افراد سند را من بررسی کردم. آن روایت می‌گوید پیامبر اکرم هم نمی‌دانند. راوی سوال می‌کند ظهور چه زمانی است؟ حضرت می‌فرمایند علمش دست خداست.<sup>۱</sup> و هیچ منافاتی با عظمت و مقام

<sup>۱</sup> عبد السلام بن صالح الهروی قال : سمعت دعبل بن علی الخزاعی یقول: أنشدت مولای الرضا علی بن موسی علیهما السلام قصیدتی التي أولها: مدارس آیات خلت من تلاوة، و منزل وحی مقفر العرصات، فلما انتهیت إلى قولی: خروج إمام لا محالة خارج، یقوم علی اسم الله و البرکات، یمیز فینا کل حق و باطل، و یجزی علی النعماء و الثمات، بکی الرضا علیه السلام بکاء شدیداً، ثم رفع رأسه إلى فقال لی: یا خزاعی نطق روح القدس علی لسانک بهذین البیتین، فهل تدری من هذا الامام و متى یقوم؟ فقلت: لا یا مولای إلا أنى سمعت بخروج إمام منکم یظهر الارض من الفساد و یملاها عدلاً [کما ملئت جوراً]. فقال: یا دعبل الامام بعدی محمد ابنی، و بعد محمد ابنه علی، و بعد علی ابنه الحسن، و بعد الحسن ابنه الحجّة القائم المنتظر فی غیبه، المطاع فی ظهوره، لو لم یبق من الدنیا إلا یوم واحد ل طول الله عزوجل ذلك الیوم حتی ینخرج فیملا الارض عدلاً کما ملئت جوراً و أما "متی" فأخبار عن الوقت، فقد حدثنی أبی، عن أبیه عن آباءه علیهم السلام أن النبی صلی الله علیه و آله قیل له: یا رسول الله متى ینخرج القائم من ذریعتک؟ فقال علیه السلام: مثله مثل الساعة التي "لا یجلیها لوقتها إلا هو ثقلت فی السموات و الارض لا تأتیکم إلا بغتة". عیون اخبار الرضا: ج ۱، ص ۲۹۷.

علمی پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام ندارد. چون بنا نیست که همه چیز را بدانند. یکسری علوم است که خاص خداوند عزوجل است.

پس مساله توقیت را خود امام زمان هم نمی‌داند. من برای ادعای خودم یک شاهد ساده نقل می‌کنم. آیا امام زمان برای ظهور خودشان دعا می‌کنند یا خیر؟ جواب مثبت است. خوب اگر می‌داند که فلان تاریخ است دیگر دعا کردن چه معنی دارد؟ چون امکان بداء راه دارد حضرت دعا می‌کنند. پس علم واقعی آن و زمان دقیق ظهور را حتی خود حضرت هم نمی‌داند و تنها خدا می‌داند.

اما نسبت به فرمایش آیت‌الله بهجت، بنده در سه نوبت در سه جلسه از حجت الاسلام شیخ علی بهجت (فرزند آیت الله بهجت) راجع به این مطلب پرسیدم. دو نوبت در قم و یک نوبت در سرزمین منا بود. هر سه نوبت ایشان فرمود: حرف پدرم این نبود. حرف تو حرف و باصطلاح تداخل شده. پدرم این را نفرموده بلکه کسی دیگر این را گفته. پس حرف از آیت‌الله بهجت نیست.

فرض که ایشان فرموده باشند اگر به عنوان احتمال است قبول داریم و ما هم می‌گوییم، به عنوان امیدواری و توقع ظهور است ما هم می‌گوییم چون ما هر جمعه منتظر ظهوریم. اما اگر به عنوان قطع و یقین باشد، ما آن را نمی‌پذیریم و قبول نداریم. آیت الله بهجت روی سر ما، ولی توقیت قطعی اگر از ایشان باشد قبول نداریم، چون روایات ما، غیر این را می‌گوید. بحث خارج ما پیرامون توقیت را در سایت ما ببینید، آن روایت را هم ببینید.

اما نسبت به تطبیق خراسانی بر مقام رهبری، من معتقدم مقام معظم رهبری مورد عنایت است و از دیر باز مورد عنایت بوده است و چیزی به ایشان افزوده شده و داده‌اند و او گرفته است. ایشان فرد معمولی نیست.

وقتی رهبری قم مشرف شده بودند، من با یک واسطه نقل می‌کنم، در جریان عرضه محصولات فرهنگ حوزه، یکی از شاگردهای ما که مسئول غرفه مهدویت بود، می‌گفت: آقا آمدند به غرفه سر زدند. به ایشان عرض کردم که برخی قضایا را به شما نسبت می‌دهند. فرمودند: مثل چی؟ گفتم: می‌گویند شما سید خراسانی هستید. ایشان فرمودند: بی خود می‌گویند. من خراسانی نیستم.

تطبیق خراسانی بر رهبری کوچک کردن رهبری است. خراسانی خیلی معلوم نیست چه کسی است؟ و ماموریتش چیست؟ آیا ابومسلم خراسانی است؟ مگر ابومسلم خوب آدمی است؟ آیا هولاکو خان است؟

مگر او خوب آدمی است؟ به نقل ابن طاووس خراسانی منم. یک قول هم اینکه خراسانی کسی است که در آخر الزمان می آید. علی ای حال به نظر من تطبیق دادن خراسانی بر رهبری، کوچک کردن رهبری است.

حسینی چه کسی است؟ این فرد منحرف است. خودش ادعای مهدویت می کند و می گوید: مهدی منم، و تا زمان حرکت حضرت از حجاز به عراق در مسیر با امام ملاقات و بحث می کند هنوز خودش را امام زمان می داند. بعدها که با حضرت بحث می کند، خودش و برخی از یارانش تغییر می کنند. آن حسینی که آقایان از او دم می زنند، در مکه کشته می شود. می خواهم بگویم روایات متعارض است و دلیلی نداریم که تطبیق بدهیم بر مقام معظم رهبری. اگر آیت الله بهاءالدینی هم گفته باشد، قابل نقد است؛ مثل اینکه امروزه نظرات فقهی امام و یا هر فقیه دیگری، در حوزه مورد نقد قرار می گیرد.

### اهل کتاب و اسلام آوردن در زمان حضرت مهدی علیه السلام

۵. آیا در دوران ظهور و حکومت حضرت مهدی (عجل الله فرجه الشریف) اهل کتاب وجود دارند

یا همه پیروان ادیان به دین اسلام مشرف می شوند؟

همه پیروان ادیان به دین اسلام مشرف می شوند. روایت صحیح السند هم داریم. نه فقط به دین اسلام، ما دو جور اسلام داریم: اسلام سقیفه و اسلام غدیر. همه به اسلام غدیر گرایش پیدا می کنند. و امام زمان همه را به شهادت به لا اله الا الله و محمدا رسول الله و علی ولی الله دعوت می کنند. ولی خوب می دانید که زمان بر است و مرحله به مرحله است. حضرت گاهی با اینها بحث آزاد دارد. گاهی اینها را از پایتخت بیرون می کند و گاهی جزیه می گیرد البته طبق بعضی از نصوص، ولی مرحوم مجلسی<sup>۹</sup> و مازندرانی<sup>۱۰</sup> نظر دیگری دارند. و آخر الدواء الکی. آخر سر هم با یهود درگیر می شوند. مواردی که آمده اینها جزیه می دهند، مقطعی است. یا باید بگوییم مکانها فرق می کند. یعنی گاهی مثلا در عراق چنین سیاستی را به کار می گیرد. برای اتمام حجت، با کتاب خودشان اینها را محکوم می کند.

<sup>۹</sup> مرآة العقول: ج ۴، ص ۱۶.

<sup>۱۰</sup> شرح اصول کافی: ج ۱۲، ص ۳۳۱.



## مرگ یا شهادت حضرت مهدی علیه السلام

۶. آیا حضرت ولی عصر به شهادت می‌رسند یا آنکه به مرگ طبیعی از دنیا می‌روند؟

ما اول یک شوخی می‌کنیم و بعد جواب می‌دهیم. چرا برای قتل امام زمان عجله داریم؟ ما باید منتظر ظهور حضرت باشیم نه شهادت حضرت.

اما جواب: ما هیچ دلیل خاصی بر شهادت حضرت نداریم تا برسد به نحوه شهادت. نحوه شهادت که می‌گویند زنی کذایی حضرت را به شهادت می‌رساند اصلاً در منابع و مدارک معتبر ما نیامده است. شاید اولین کسی که قصه این زن را نقل می‌کند شیخ احمد احسائی منحرف، در کتاب شرح زیارت جامعه<sup>۱۱</sup> است، و هیچ مدرکی هم ارائه نمی‌دهد. بعد از او هم مرحوم حائری در کتاب الزام الناصب<sup>۱۲</sup> به عنوان قول قیل نقل می‌کند و هیچ مدرکی ارائه نمی‌دهد و بعد از آن هم مرحوم صدر در تاریخ ما بعد الظهور نقل می‌کند. ما هم در آخر کتاب نشانه‌های دولت موعود در بحث رحلت یا شهادت مطرح نمودیم.<sup>۱۳</sup> شیخ حر عاملی مخصوصاً در کتاب الايقاظ من الهجعة می‌فرماید: روایات متعدد و کثیره‌ای در شهادت حضرت داریم ولی حتی یک روایت هم در نحوه شهادت نداریم.<sup>۱۴</sup> یعنی آقای حر عاملی به شهادتشان اشاره می‌کند اما به نحوه شهادتشان هیچ اشاره‌ای نمی‌کند.

اما روایات: ما روایات فوت حضرت را بیشتر داریم. «یموت موتا حتف انفه»<sup>۱۵</sup> «علی فراشه»<sup>۱۶</sup> «یتولی غسله و تجهیزه و دفنه الامام الحسين عليه السلام»<sup>۱۷</sup> اینها را داریم. اما راجع به شهادت حضرت من به یک روایت هم برخورد نکردم.

<sup>۱۱</sup>. شرح الزيارة الجامعة: ج ۳، ص ۵۳.

<sup>۱۲</sup>. الزام الناصب: ص ۱۹۰.

<sup>۱۳</sup>. فی رحاب حکومت الامام المهدی: ص ۲۶۱.

<sup>۱۴</sup>. الايقاظ من الهجعة: ص ۳۹۸، باب ۱۱، فی أنه هل بعد دولة المهدی دولة أم لا.

<sup>۱۵</sup>. فی رحاب حکومت الامام المهدی: ص ۲۶۰.

<sup>۱۶</sup>. عقد الدرر: ص ۱۴۹.

<sup>۱۷</sup>. الکافی: ج ۸، ص ۲۰۶؛ تأویل الایات: ج ۱، ص ۲۷۸ و بحار الانوار: ج ۵۳، ص ۱۳.

از عامه ابن حماد روایت دارد که حضرت در درگیری با روم و اروپاییها با دو هزار نفر از فرماندهان بزرگ به شهادت می‌رسند.<sup>۱۸</sup> ابن حماد درست است که از قدما است و در سال ۲۲۸ فوت کرده است، ولی از نظر ما نه کتاب و روایتش اعتبار دارد نه خودش. علامه مجلسی که سه جلد روایات راجع به امام زمان نقل می‌کند، اصلاً اسمی از ابن حماد و کتابش «الفتن» نمی‌برد. تنها در دو جا روایتی را از شیخ طوسی نقل می‌کند که در سند شیخ طوسی اسم ابن حماد آمده است.

اما نسبت به روایت «ما منّا الا مقتول او مسموم». این روایت هر چند بسیار مشهور است اما از نظر سند مشکل دارد. شیخ مفید تصریح می‌کند که برخی از ائمه به مرگ طبیعی از دنیا رفتند.<sup>۱۹</sup> نسبت به امام جواد، امام زین العابدین تصریحاتی بعضی دارند، ولی هیچ منافاتی با مقام شهید و شهادت ندارد، چرا؟ چون کسی که بر محبت ائمه بمیرد «مات شهیدا» تا چه برسد به خود امام علیه السلام. اینها هر لحظه شان شهادت است و مرگشان هم قطعاً شهادت است. البته اینها را با ظرافت نقل کنید تا به اعتقادات مردم لطمه و خدشه‌ای وارد نشود.

نتیجه اینکه امام زمان به شهادت نمی‌رسند. اما نسبت به سایر ائمه (علیهم السلام) سخن شیخ مفید را نمی‌پذیریم و تأمل دارم. نسبت به رسول خدا معتقدم حضرت را مسموم کردند همان داخله حضرت، حضرت را به شهادت رساندند.

<sup>۱۸</sup>. الفتن: ص ۱۰۴؛ البدء و التاريخ: ج ۲، ص ۱۸۴ و فی رحاب حکومت الامام المهدي: ص ۲۶۰.  
<sup>۱۹</sup>. شیخ مفید در جواب صدوق می‌نویسد: «فاما ما ذكره ابو جعفر رضي الله عنه من مضي نبينا و الائمه (ع) بالسم و القتل، فمنه ثابت و منه ما لم يثبت و المقطوع به ان امير المؤمنين (ع) الحسن (ع) و الحسين (ع) خرجوا من الدنيا بالقتل و لم يمت احدهم حتف انفه و ممن مضي بعدهم مسموما موسى بن جعفر و يقوى في النفس امر الرضا (ع) و ان كان فيه شك، فلا طريق الى الحكم فيمن عداهم بانهم سموا او اغتيلوا او قتلوا صبيرا، فالخبر بذلك يجرى مجرى الارجاف و ليس بتيقنه سبيل»؛ آنچه را که شیخ صدوق در رابطه با درگذشت پیامبر و امامان معصوم (ع) به وسیله سم و قتل گفته، برخی از آنها ثابت است و برخی مشکوک. اما شهادت امیرالمؤمنین علی و امام حسن و امام حسین (ع) به قتل، حتمی و قطعی است. پس از ایشان، مسمومیت و شهادت موسی بن جعفر (ع) نیز قطعی و مسلم است. درباره امام رضا (ع) نیز قول قوی مسمومیت و شهادت ایشان است، گر چه جای تردید هست. اما در دیگر ائمه (ع) راهی برای اثبات این که آنان به وسیله سم یا ترور و یا قتل صبر، به شهادت رسیده‌اند، در دست نیست، آنچه از راه احساسات گفته می‌شود، یقین‌آور نخواهد بود. تصحیح اعتقادات الامامیه، الشیخ المفید: ص ۱۳۱.

## زن و فرزند حضرت مهدی علیه السلام

### ۷. آیا امام زمان دارای زن و فرزند هستند یا خیر؟

اولاً: این جزء اعتقادات ما نیست و لازم نیست به زن و فرزند داشتن و یا نداشتن حضرت معتقد باشیم. این یک معلومات است، اگر به جایی رسیدیم به معلومات ما افزوده می‌شود و اگر به جایی نرسیدیم به اعتقاد ما هیچ لطمه‌ای نمی‌زند.

ثانیاً: ما هیچ دلیلی نداریم که امام زمان الان ازدواج کرده و زن و فرزند دارد.

ثالثاً: روایت «النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی» بستگی به فراهم بودن زمینه دارد و این که مانعی پیش نیاید. ازدواج سنت است و فرض نیست. خود نبی مکرم اسلام در بیست و پنج سالگی ازدواج نمود. طبق آیه ۳۹ آل عمران<sup>۲۰</sup> حضرت یحیی ازدواج نکرده است. ازدواج کردن بستگی به شرایط دارد. ممکن است شرایط برای ایشان پیش نیامده بود.

رابعاً: مسمای ازدواج کافی است. ممکن است حضرت برای اینکه به سنت ازدواج عمل کرده باشد یک مورد یک عقدی انجام داده باشد. اما اثبات اینکه الان حضرت همسر داشته باشد، بسیار مشکل است و به اصطلاح دون اثباته خرط القتاط.

آقای شوشتری در کتاب الاخبار الدخیله می‌فرمایند: ما دلیلی بر ازدواج حضرت حتی بعد از ظهور نداریم.

اما مساله اولاد حضرت: ما حتی یک روایت مبنی بر اینکه حضرت الان اولاد داشته باشد، نداریم. اما نسبت به ادعیه (السلام علی ولدک واهلک)، به ما طلبه‌ها اینجوری یاد دادند که حکم، موضوع خودش را درست نمی‌کند. این روایت از امام رضا علیه السلام است. زمانی این روایت از امام رضا علیه السلام صادر شده است که نه اولاد امام زمان که خود امام زمان، پدر امام زمان و جد امام زمان هنوز به دنیا نیامده است. پس ادعیه از امام رضا است و زمانی صادر شده است که هنوز امام زمان قطعاً به دنیا نیامده است. بنا بر این نمی‌توانید به این روایات تمسک کنید. بله ممکن است حضرت بعدها قبل از ظهور ازدواج کند و خداوند به حضرت فرزند عطا کند. اما ادعای این که الان فرزند دارند با استناد به کدام دلیل؟ به استناد جزیره

<sup>۲۰</sup> (ان الله یبشرك بیحیی مصدقاً بکلمه من الله و سیداً و حضوراً و نبیاً من الصالحین). سوره آل عمران، آیه ۳۹.

خضراء که داستان است! به قضیه کمال‌الدین انباری که راوی آن نصرانی است! آیا مستند شما مورد تأیید است؟

بلکه روایت داریم که امام زمان از دنیا می‌رود و فرزندی ندارد. روایت را مرحوم کشی نقل می‌کند و مرحوم آیت‌الله خوئی در کتاب معجم رجال‌الحديث در شرح حال علی بن ابی‌حمزه بطائنی نقل کرده است. ابی‌حمزه بطائنی بر امامت امام کاظم توقف نمود و امامت امام رضا علیه السلام را قبول نداشت. ایشان با امام رضا علیه السلام بحث می‌کند و هنوز حضرت رضا علیه السلام فرزندی نداشت. به امام رضا عرض می‌کند: پدرتان چه شد؟ حضرت فرمودند: مضمی، یعنی رحلت کرد. عرض می‌کند: جانشینشان چه کسی است؟ امام می‌فرماید: منم. عرض می‌کند: برای ما روایت شده است که «الامام لایمضی حتی یری عقبه»، یعنی امام از دنیا نمی‌رود مگر اینکه نسل و فرزندش را ببیند. آنوقت می‌گوید: شما امام نیستید چون فرزندی ندارید. امام فرمودند: روایت همین است؟ عرض کرد: بله. حضرت فرمودند: نه، روایت ادامه دارد «الا القائم فانه یمضی و لا عقب له»<sup>۲۱</sup> گفت: بله، درست است. آنوقت حضرت او را توبیخ نمودند و فرمودند: از خدا بترسید و مردم را از گرویدن به دین خدا باز ندارید و باصطلاح با روایت بازی نکنید. مردم را منحرف نکنید. امام رضا علیه السلام در این روایت تصریح می‌کنند که امام زمان فرزندی نخواهد داشت.

بله در برابر این، روایت وصیت است که به آن خیلی استناد می‌کنند و مرحوم شیخ طوسی آن را نقل می‌کند. پیامبر به امیرالمومنین فرمودند: بعد از من ۱۲ امام هستند بعد از دوازده امام، دوازده مهدی هستند.

<sup>۲۱</sup> «عن اسماعیل بن سهل قال: حدثني بعض أصحابنا وسألني أن أكتب اسمه، قال: كنت عند الرضا (ع) فدخل عليه علي بن أبي حمزة و ابن السراج و ابن المكارى، فقال له ابن أبي حمزة: ما فعل أبوك؟ قال: مضمی. قال: مضمی موتاً؟ قال: نعم. قال: علي من عهد؟ فقال: إلی. قال: فأنت إمام مفترض الطاعة من الله؟ قال: نعم. قال ابن السراج و ابن المكارى: قد والله أمكنك من نفسه. قال: ويلك و بما أمكنت أتريد أن آتی بغداد و أقول لهارون أنا إمام مفترض طاعتي، والله ما ذاك! و إنما قلت ذلك لكم عندما بلغني من اختلاف كلمتكم و تشتت أمرکم لثلايصير سرکم فی يد عدوكم. قال ابن أبي حمزة: لقد أظهرت شيئاً ما كان يظهره احدٌ من آبائک و لا يتكلم به. قال (ع): بلی والله لقد تكلم خیر آبائي رسول الله (ص) لما أمر الله تعالى أن ينذر عشيرته الأقرین، جمع من اهل بيته اربعين رجلاً و قال لهم: انا رسول الله إليکم فکان اشدّهم تكذيباً و تأليباً عليه عمه أبو لهب، فقال لهم النبي (ص): ان خدشني خدش فلست بنبي، فهذا أول ما أبدع لكم من آية النبوة، و أنا أقول ان خدشني هارون خدشا فلست بامام، فهذا ما أبدع لكم من آية الامامة. قال له علي: انا روينا عن آبائک أن الامام لا یلی امره الا امام مثله؟ فقال له أبو الحسن عليه السلام: فأخبرني عن الحسين بن علي عليهما السلام كان اماماً أو كان غير امام؟ قال: كان اماماً. قال: فمن ولی أمره؟ قال: علي بن الحسين. قال: و أين كان علي بن الحسين عليهما السلام؟ قال: كان محبوساً بالكوفة فی يد عبیدالله بن زیاد. قال: خرج و هم لا یعلمون حتی ولی أمر أبيه ثم انصرف. فقال له أبو الحسن عليه السلام: ان هذا أمکن علي بن الحسين عليه السلام ان يأتي كربلا فیلی أمر أبيه، فهو یمكن صاحب هذا الامر أن يأتي بغداد فیلی أمر أبيه ثم ينصرف و ليس فی حبس و لا فی اسار. قال له علي: انا روينا ان الامام لا یمضی حتی یری عقبه؟ قال: فقال أبو الحسن (ع): أما رویتم فی هذا الحديث غیر هذا؟ قال: لا. قال: بلی والله لقد رویتم فيه الا القائم و أنتم لا تدرون ما معناه و لم قيل. قال له علي: بلی والله ان هذا لفي الحديث. قال له أبو الحسن (ع): و یلک کیف اجترأت علی بشئ تدع بعضه. ثم قال: یا شیخ اتق الله و لا تكن من الصادين عن دين الله تعالى». معجم رجال‌الحديث: ج ۱۲، ص ۲۴۱.

می‌فرمایند: بعد از من تو هستی و بعد امامت را به امام حسن تحویل می‌دهی.... تا به امام عسکری علیه السلام و آن حضرت امور را به امام زمان تحویل می‌دهد تا زمانی که خواست از دنیا برود تحویل فرزندش بدهد.<sup>۲۲</sup>

در پاسخ به این روایت می‌گوییم:

اولاً: این روایت از نظر سند مشکل دارد. البته کنار گذاشتن این روایت لطمه‌ای به اعتقادات ما نمی‌زند، چون ما دهها روایت درباره ائمه اثنا عشر داریم. این روایت را تنها شیخ طوسی نقل می‌کند و در سندش دو نفر مجهول وجود دارد. ما نمی‌توانیم چنین روایتی را مستند برای عقایدمان قرار دهیم. این روایت را در کتاب *دراسة فی روایات الحسنی مطرح و نقد کرده‌ایم*.<sup>۲۳</sup>

ثانیاً: این روایت از نظر دلالت مشکل دارد و مدعی طرف مقابل را اثبات نمی‌کند، زیرا این روایت می‌گوید: هنگامی که امام زمان خواستند فوت کنند امور را به پسرشان بسپارند. آیا این روایت اثبات می‌کند که حضرت الان دارای فرزند هستند؟ پیامبر اکرم پیشگویی کردند. مثل پیشگویی‌های دیگر. پیشگویی که موضوع درست کن نیست. نمی‌گوید الان فرزند دارد. بلکه می‌گوید وقتی خواستند فوت کنند تحویل فرزندش دهد. امام کی رحلت می‌کنند؟ معلوم نیست. امام کی می‌آیند؟ مگر تاریخ آمدنشان مشخص است؟ وقتی آمدند چقدر حکومت می‌کنند؟ معلوم نیست. ممکن است وقتی آمدند قبل از اینکه از دنیا بروند ازدواج کنند و خدا به ایشان فرزندی بدهد. نقش فرزند امام زمان کی شروع می‌شود؟ بعد از رحلت امام زمان. چرا حسنی‌ها از الان عجله دارند.

## علامت ظهور، طلوع خورشید از مغرب است

۸. آیا طلوع خورشید از مغرب از علامات ظهور است؟

<sup>۲۲</sup> الغیبة، شیخ طوسی: ص ۱۵۰ - ۱۵۱، روایات الخاصة فی أن الأئمة علیهم السلام اثنا عشر، حدیث ۱۱۱.

<sup>۲۳</sup> دراسة فی روایات الحسنی: ص ۴۲ - ۴۶، الروایة العاشرة.

طلوع خورشید از مغرب را از علامات قیامت دانسته‌اند.<sup>۲۴</sup> در روایات اهل سنت زیاد آمده است. نمی‌گویم در روایات ما نیامده است. از نظر علمی هم مشکلی ندارد. در دانمارک گزارشی از سایت‌ها به من دادند که سنگی است در فضا رها شده و سرگردان است و طبق محاسبات، این سنگ با زمین برخورد می‌کند. وقتی به زمین می‌خورد مسیر آن را تغییر می‌دهد. یعنی زمینی که از شرق به غرب بوده می‌شود از غرب به شرق. طبعاً طلوع خورشیدی که از شرق به غرب بوده می‌شود از غرب به شرق. از نظر علمی این را گفته‌اند. ولی در روایات ما کمتر این مساله آمده است.

## فرق میان خروج و ظهور

### ۹. آیا بین خروج و ظهور امام زمان علیه السلام فرق است؟

بله. خروج از مدینه است. و در ارتباط با اصحاب خاص است. همان جاست که یک نفر متوجه خروج حضرت می‌شود که حضرت می‌خواهند برای ظهور به مکه بروند. به حسنی خبر می‌دهد. روایت در کافی است. «فیبندر الحسنی بالخروج».<sup>۲۵</sup> که حسنی دست به سلاح می‌برد و کشته می‌شود. بعد هم سرش

<sup>۲۴</sup>. «عن أبي الطفيل عن خديفة بن أسيد قال اطلع علينا رسول الله ص من عرفة له ونحن نتذكر الساعة قال رسول الله ص لا تقوم الساعة حتى تكون عشر آيات: الدجال والدخان وطلوع الشمس من مغربها و دابة الأرض وياجوج و ماجوج و ثلاث خسوف بالمشرق و خسوف بالمغرب و خسف بجزيرة العرب و نار تخرج من قعر عدن تسوق الناس إلى المحشر تنزل معهم إذا نزلوا و ثقيل معهم إذا قالوا...» خصال شيخ صدوق: ص ۴۳۲.

<sup>۲۵</sup>. نو عنه (محمد بن يحيى) عن احمد بن محمد، عن ابن محبوب عن يعقوب السراج قال: قلت لابي عبدالله عليه السلام: متى فرج شيعتكم؟ قال: قال: اذا اختلف ولد العباس و وهى سلطانهم و طمع فيهم من لم يكن يطمع فيهم و خلعت العرب اعنتها و رفع كل ذى صيصية صيصيته و ظهر الشامي و اقبل اليماني و تحرك الحسنى و خرج صاحب هذا الامر من المدينة الى مكة بتراث رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم... و يستأذن الله فى ظهوره فيطلع على ذلك بعض مواليه فيأتى الحسنى فيخبره الخبر فيبندر الحسنى الى الخروج فيثب عليه اهل مكة فيقتلونه و يبعثون برأسه الى الشامي فيظهر عند ذلك صاحب الامر فيبايعه الناس و يتبعونه... الكافي: ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵. يعقوب سراج از امام صادق عليه السلام پرسید: گشایش شیعیان شما چه زمانی است؟ حضرت فرمود: وقتی بین بنی‌عباس اختلاف بیفتد و سلطنت آنها سست شود و در آنها طمع کند کسی که در این سطح نیست که به تسخیر حکومت پردازند، عرب از حکومت سرپیچی می‌کنند و هر صاحب قدرتی وارد میدان می‌شود. شامی ظهور می‌کند و یمانی رو می‌کند و حسنی حرکت می‌کند و صاحب الأمر از مدینه به طرف مکه خروج می‌کند، در حالی که میراث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با او است... و از خداوند، اذن ظهور می‌خواهد. برخی دوستان حضرت مطلع می‌شوند و خبر به حسنی می‌رسد و او به خروج مبادرت می‌کند که اهل مکه بر او یورش می‌برند و او را می‌کشند و سرش را برای شامی می‌فرستند. در این زمان، صاحب الامر ظهور می‌کند و مردم با ایشان بیعت کرده و همراه می‌شوند.

را برای سفیانی می‌فرستند. مرحوم مجلسی بین این خروج با ظهور فرق می‌گذارد. اول خروج است بعد ظهور است.<sup>۲۶</sup>

## ترتیب علائم ظهور

۱۰. ترتیب وقوعی علامات ظهور را بیان نمایید؟

اول سفیانی است. بعد یمانی و خراسانی که با هم خروج می‌کنند. این سه علامت در روایات دارد «فی سنه واحده، فی شهر واحد و فی یوم واحد».<sup>۲۷</sup> بعد صیحه است. سفیانی از ظهور تا سقوط ۱۵ ماه طول می‌کشد. بعد هم خسف که قبیل الظهور (نزدیک ظهور) اتفاق می‌افتد و قتل نفس زکیه هم که ۱۵ روز قبل از ظهور اتفاق می‌افتد.

خروج برای افراد خاصی است و حضرت برای یک عده خاصی شناخته شده‌اند.

این ۳۱۳ نفر شرط ظهور نیستند. اینها همانهایی هستند که حضرت را می‌شناسند. اینها را در کتاب «فی رحاب حکومت المهدی» بحث کردم. اینها همه در آن دوران زنده‌اند ولی منافات ندارد که یک عده از مرده‌ها هم برگردند، مثل اصحاب کهف، سلمان، اصحاب موسی و... که برمی‌گردند.

## سید یمانی

۱۱. در رابطه با یمانی و لزوم تبعیت از او چنانچه نکته‌ای هست بیان نمایید؟

در رابطه با یمانی بزرگنمایی و اغراق شده است. اصل یمانی را از علامات می‌دانیم اما مثبت بودنش و لزوم تبعیت از او، خیلی روشن نیست. در روایت نعمانی دارد «افضل رایات» یعنی سفیانی هم خوب است ولی یمانی بهتر است. عمده روایت در باب یمانی، روایت نعمانی است که از نظر سند مشکل دارد.

<sup>۲۶</sup>. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۰۱.

<sup>۲۷</sup>. «عن ابی عبد الله علیه السلام: خروج الثلاثة السفیانی و الخراسانی و الیمانی فی سنه واحده فی شهر واحد، فی یوم واحد. و لیس فیها من رایه اهدی من رایه الیمانی، لانه یدعو الی الحق». بحار الانوار: ج ۲، ص ۲۱۰ و ارشاد شیخ مفید: ج ۲، ص ۳۷۵.

در سند روایت شخصی به نام احمد بن یوسف قرار دارد که اگر کسی توانست این فرد را در کتب رجالی پیدا و توثیق کند من به او جایزه می‌دهم. از نظر دلالت هم خیلی جای بحث است چون سه تا حکم فقهی دارد: «فاذا خرج الیمانی حرم بیع السلاح علی الناس و کل مسلم، و اذا خرج الیمانی فانهض الیه... و لایحل لمسلم ان یلتوی علیه»<sup>۲۸</sup>. اینها سه تا حکم است. فقهای ما احکام دوران غیبت را در کتاب‌هایشان آورده‌اند، احکام قبل از ظهور و احکام دوران غیبت را گفتند، هیچ فقهی در هیچ کتاب فقهی علی ما ببالی اینها را نیاورده است. یعنی هیچ فقهی نگفته وقتی یمانی خروج کرد فروش سلاح جایز نیست. یمانی در دوران غیبت می‌آید و یک سال بعد از او امام زمان می‌آید. حتی شیخ حر عاملی که مشرب اخباری دارد و بر طبق روایات فتوا می‌دهد از اول تا آخر کتابش را ببینید آیا طبق روایت فتوا داده است که چون سفیانی خروج کرد فروش سلاح جایز نیست؟ پس از نظر دلالت هم به این روایت عمل نشده است. آری یک روایت هم در کافی شریف راجع به یمانی است<sup>۲۹</sup> اما نه به این روشنی، که آن هم مشکل دارد. بنا بر این ما اصل یمانی را جزء علامات می‌دانیم، اما لزوم تبعیت از او و جایگزینی او به جای مراجع در دوران غیبت را شدیداً نفی می‌کنیم و نمی‌توانیم از روایات استفاده کنیم.

## امام زمان علیه السلام و تکنولوژی روز

### ۱۲. آیا حضرت باتکنولوژی روز قیام می‌کند یا قیام حضرت با سیف و شمشیر است؟

نکته اول گسترش و نبوغ علم است و این که علم بیست و هفت حرف است و انبیاء مامور به گسترش دو حرف از آن بوده‌اند. امام زمان که بیاید بیست و پنج حرف دیگر را به این دو منضم می‌کند.<sup>۳۰</sup> یعنی علم سیزده برابر می‌شود. یعنی تکنولوژی دشمنان در آن زمان هر چه هم پیشرفته باشد باز هم سیزده برابر عقب است، لذا چندان کارایی ندارد.

<sup>۲۸</sup>. الغیبه، نعمانی: ص ۲۵۶.

<sup>۲۹</sup>. الکافی: ج ۸، ص ۲۲۵.

<sup>۳۰</sup>. «عن ابان عن ابی عبد الله علیه السلام: أَلْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعٌ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَاِذَا قَامَ قَائِمُنَا أُخْرِجَ الْحَمْسَةُ وَ الْعِشْرِينَ حَرْفًا؛ فَبَيْنَهَا فِي النَّاسِ وَ ضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ، حَتَّى يَبْتَهَا سَبْعَةٌ وَ عِشْرِينَ حَرْفًا؛» علم و دانش بیست و هفت حرف (بیست و هفت شعبه و شاخه) است؛ تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند دو حرف بیش نبود، و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند، اما هنگامی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف (بیست و پنج شاخه و شعبه) دیگر را آشکار می‌سازد و در میان مردم منتشر می‌سازد و دو حرف را به آن ضمیمه می‌کند تا بیست و هفت حرف کامل و منتشر گردد. بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۳۶.



ثانیاً: روایات داریم که سلاحی که دست نیروهای امام زمان است از آهن است اما نه مثل این آهن.<sup>۳۱</sup> این قضیه حقیقیه است نه خارجیّه؟ یعنی این که سلاح امام مثل اینها نیست. در هر زمان و دوره هر چه اسلحه پیشرفته باشد طبق این روایت اسلحه دوران امام زمان پیشرفته تر است.

ثالثاً: یادتان نرود که از یاران امام، ملائکه هستند. جن هستند. تابوت حضرت موسی است. از همه اینها مهمتر شاید رعب باشد. «ویسیر الرعب امامه، خلفه و عن یمینه و شماله مسیره شهر».<sup>۳۲</sup> یعنی پیشاپیش لشکر حضرت رعب است. به هر حال دشمن هر چه هم مسلح باشد آیا برای به کارگیری نباید توازن روحی و آرامش داشته باشد؟ وقتی که ترس سراسر وجودش را فرا گرفته باشد، سلاح چه کارایی خواهد داشت؟ اصلاً کارایی ندارد.

پرچم پیروزی پیامبر اکرم با آن حضرت است. هر موقع پیامبر این پرچم را باز می نمود «انحط الیه الملائکه» این پرچم بسته نمی شد تا این که پیروزی نصیب مسلمانان می شد.<sup>۳۳</sup>

نکته چهارم در رابطه با نیروهای حضرت است که هر کدام توان و نیروی چهل نفر را دارند<sup>۳۴</sup> یعنی نیروی لشکر هر چه باشد اینها چهل برابرند.

نکته پنجم این است که ذوالفقار حضرت امیر با حضرت مهدی است. ذو الفقار یعنی چی؟ امام باقر علیه السلام می فرمایند: چون به هر کسی می خورد در دنیا، دست او از دنیا کوتاه می شد یعنی به اصطلاح

<sup>۳۱</sup> «عن محمد بن مسلم: سالت ابا عبد الله عليه السلام عن ميراث العلم ما مبلغه؟ ... مع الامام اذا قام يسبقون فيها اصحاب السلاح ... لهم سيوف من حديد غير هذا الحديد لو ضرب أحدهم بسيفه جبلاً لقدمه حتى يفصله في ساعة...». بحار الانوار: ج ۵۴، ص ۳۳۳.

<sup>۳۲</sup> «قال ابو جعفر عليه السلام: لكانى انظر اليهم مصعدين من نجف الكوفه ثلاث مائه و بضعة عشر رجلاً كان قلوبهم زبر الحديد جبرئيل عن یمینه و ميكايل عن يساره يسير الرعب امامه شهرا و خلفه شهرا، أمده الله بخمسة آلاف من الملائكة». بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۴۳.

<sup>۳۳</sup> «و باسناده إلى ابان بن تغلب عن ابي عبد الله عليه السلام حديث طويل يذكر فيه القائم عليه السلام ، و فيه: فإذا نشر رايه رسول الله صلى الله عليه و آله انحط عليه ثلثة عشر ألف ملك و ثلثة عشر ملكا ينظرون القائم عليه السلام، و هم الذين كانوا مع نوح (ع) فى السفينة، و أربعة آلاف مسومين و مردفين و ثلثمائة و ثلثة عشر ملكا يوم بدر». كمال الدين و تمام النعمه، شيخ صدوق: ص ۶۷۲ و الغيبة، نعمانى: ص ۳۰۹.

<sup>۳۴</sup> «الإمام زين العابدين عليه السلام: إذا قام قائمنا أذهب الله عن شيعتنا العاهة، و جعل قلوبهم كزبر الحديد، و جعل قوة الرجل منهم قوة أربعين رجلاً، و يكونون حكام الأرض و سناهم». امام زين العابدين عليه السلام: زمانى كه قائم ما قيام كند، خداوند آفت را از شيعيان ما مى زداید و دلهاى آنان را چون پاره هاى آهن [سخت و تزلزل ناپذير] مى كند و هر مرد آنان را قدرت چهل مرد مى دهد. آنان فرمانروا و سالار جهان خواهند بود. خصال شيخ صدوق: ص ۵۴۱.

شناسنامه او را باطل می‌کرد و در آخرت از رحمت خدا او را فقیر می‌کرد.<sup>۳۵</sup> آقا چنین سلاحی دارد که رد خور ندارد با هر اسلحه و تکنولوژی پیشرفته‌ای که برخورد کند آن را از کار می‌اندازد.

نکته ششم ولایت تکوینی حضرت است که با یک اشاره می‌تواند بر اینها غلبه کند.

نکته هفتم اینکه دنیا خسته است. مردم دنبال کسی هستند که به جامعه و زمین آرامش دهد. دنیای قبل از حضرت دنیای کشتار و ظلم و خونریزی است. لذا اسلحه هر چه هم پیشرفته و کارایی داشته باشد، طرفدار ندارد.

نکته هشتم این که امام زمان برای کشتار نمی‌آید بلکه برای فریادرسی می‌آید، لذا دادرسی که شد موانع را برطرف می‌کند. با موانع درگیر است. «این هادم ابنیه الشریک و النفاق، این مبین اهل الفسوق و العصیان» حضرت با اینها درگیر است.

## دجال

### ۱۳. در مورد دجال توضیح دهید؟ آیا از علامات ظهور است؟

در رابطه با دجال در کتابهای اهل سنت خیلی به آن پرداخته شده است ولی در کتابهای ما خیلی ساده از کنار آن گذشته‌اند. دجال از علامات ظهور نیست. فقط در کلمات مجلسی اول در کتاب لوامع صاحب قرانی من دیدم که می‌فرماید: ده روز قبل از امام زمان می‌آید. و در روایات ما اگر آمده در مورد قتلش آمده است که حضرت در نوروز می‌آیند<sup>۳۶</sup> و در نوروز هم دجال را در «کناسه» و زباله‌دان کوفه به دار می‌آویزند. روایات ما خیلی گذرا از کنار آن گذشته‌اند چون دجال نقشی ندارد، اما کتب اهل سنت خیلی مفصل به آن پرداخته و بسیار بزرگنمایی کرده و غالب آن موضوعات و جعلی است. نظر من این است که دجال شخص است ولی آیت الله مکارم می‌فرمایند: یک جریان است، همین جریان مادیگری است.

<sup>۳۵</sup> حدیثی إسماعیل الفزاری، قال: حدثني محمد بن جمهور العمي، عن ابن أبي نجران، عن ذكره، عن أبي حمزة ثابت بن دينار التمالي، قال: سألت أبا جعفر محمد بن علي الباقر (عليه السلام): يابن رسول الله! لم سمى علي أمير المؤمنين، و هو اسم ما تسمى به أحد قبله، و لا يحل لأحد بعده؟ فقال: لأنه ميرة العلم، يمتار منه، و لا يمتار من أحد سواه. قال: فقلت: يابن رسول الله! فلم سمى سيفه ذا الفقار؟ فقال: لأنه ما ضرب به أحد من خلق الله إلا أقره في هذه الدنيا من أهله و ولده، و أقره في الآخرة من الجنة. بحار الانوار: ج ۴۲، ص ۶۶.

<sup>۳۶</sup> بحار الانوار: ج ۵۶، ص ۹۲.

## جزیره خضراء

۱۴. آیا آنچه نسبت به جزیره خضراء و محل سکونت حضرت مطرح می شود صحت دارد؟

مرحوم علامه مجلسی در جلد ۵۲ این ماجرا را به عنوان داستان یاد می کند و می فرماید: من صحت این را تضمین نمی کنم لذا آن را جدا از سایر ابواب ذکر می کند. باب ۱۸ ذکر من رأه. باب ۱۹ خبر سعد بن عبدالله اشعری در رابطه با ملاقات امام زمان. باب ۲۰ عله الغیبه و کیفیه انتفاع الناس. باب ۲۱ التمحص و النهی عن التوقیت. باب ۲۲ انتظار الفرج. باب ۲۳ من ادعی الرویه فی غیبه الکبری، در هیچ یک از این بابها که مربوط به ملاقاتهاست، جزیره خضراء را نمی آورد. باب ۲۴ نادر فی ذکر من رأه علیه السلام فی الغیبه الکبری قریبا من زماننا. عبارت را دقت کنید: «وجدت رساله». اهل فن می دانند که «وجدت» اضعف تحملها است. نقل حدیث طرق و انواعی دارد که «وجدت» یعنی یافتن و پیدا کردن، یکی از ضعیفترین شیوه تحمل حدیث است.

وجدت رساله مشتهره بقصه جزیره الخضراء فی البحر الابيض احببت ایرادها لاشتمالها علی ذکر من رأه. و لما فیہ من الغرائب.

پس انگیزه از نقل، یکی رویت و ملاقات است. دوم: و لما فیہ من الغرائب. بعد می فرماید: انما افردت لها بابا لانی لم اظفر به فی الاصول المعتمره. و لنذکرها بعینها کما وجدتها. پس جزیره خضراء یک داستان است. و جاده است. بعد می گوید: فقد وجدت. چه کسی می گوید وجدت؟ معلوم نیست.

مساله بعد اصلا جزیره خضراء مشتمل بر مطالبی است که برای پذیرش آن باید هزینه سنگینی را پردازیم. قضیه عصمت پیامبر زیر سوال رفته، قضیه تحریف قرآن مطرح شده، قضیه خمس زیر سوال رفته است. یک سری مطالب تاریخی غلط آنجا مطرح شده است. یعنی پذیرش این داستان هزینه بر است. لذا علمای ما آن را نفی نموده اند. آیت الله خوئی می فرماید: این قصه مشکل دارد. برخی گفته اند: این ماجرا موضوع و جعلی است. من مفصل این جریان را در دو کتاب «تا ظهور» و «الجزیره الخضراء» بحث کرده ام.

## حکومت اهل بیت علیهم السلام در رجعت

### ۱۵. کیفیت حکومت اهل بیت (علیهم السلام) در رجعت چگونه است؟

اصل مساله رجعت از ضروریات مذهب ماست. به قول علامه مجلسی دویست روایت صریح داریم. و طبق فرمایش مرحوم علامه طباطبائی پانصد روایت داریم. پس اصل رجعت هیچ جای بحث نیست. بحث در تفصیلات رجعت است. ولی آنچه ما ملزم به آن هستیم اعتقاد به اصل رجعت است اما تفصیلات آن اگر دلیل معتبری داشتیم می‌پذیریم و الا اصل رجعت کفایت می‌کند. اما آیا امامان همه برمی‌گردند؟ به ترتیب برمی‌گردند؟ با هم برمی‌گردند؟ حکومت می‌کنند یا نه؟ چند سال حکومت می‌کنند؟ اینها تفصیلات بحث است. عقیده من را بخواهید طبق روایات متعدد، بعد از امام زمان فرصتی برای حکومت اهل بیت نمی‌ماند. امام زمان چهل روز قبل از قیامت از دنیا می‌روند و آن چهل روز مساله مقدمات قیامت است و دیگر حکومتی نیست. این مطلب با رجعت هم منافات ندارد، چون حکومت ائمه یکی دو تا روایت ضعیف دارد. در اصل رجعت ایشان بحثی نیست. این برگشت یا برای تشریفات و اهمیت دادن به حکومت بقیه الله است یا برای مطالبی است که ما نمی‌دانیم. من یک عبارتی از شیخ مفید در این رابطه بخوانم: شیخ مفید می‌فرماید: لیس بعد دوله الامام المهدي لاحد دوله الا ما جائت به من الروایه من قیام ولده ان شاء الله ذالک و لم ترد علی القطع و الثبات و اکثر الروایات انه لن یمضی مهدي هذه الامه الا قبل القیامه باربعین یوما. امام زمان که بیایند تا چهل روز قبل از قیامت هستند. یکون فیه الهرج و علامه خروج الاموات و قیام الساعه للحساب و الجزاء.<sup>۳۷</sup> دیگر بعث و نشور است. بنده در بحث خارج مهدویت در قم تحت عنوان حکومت امام زمان بیش از سی جلسه این موضوع مهم را بحث نمودم و فایل صوتی و نوشتاری آن الان روی سایت «ولاء صدیقه» قرار دارد.

<sup>۳۷</sup>. الارشاد، شیخ مفید: ج ۲، ص ۳۸۷.